گفت‌وگوی «جوان» با مریم فهیمی نویسنده کتاب «روزگار طبیبه»

زندگی هر شهیدی می‌تواند یک کتاب جذاب شود

■ مبینا شانلو

مریم فهیمی متولد سال ۱۳۵۹ است. در دانشگاه، ادبیات فارسی خوانده و از سال ۹۵ در دوره‌های مختلف داستان نویسی شرکت کرده است. او بعد از آن در دانشگاه مجدد مشغول به تحصیل در رشته ادبیات نمایشی شد و کتاب «روزگار طبیبه» اولین کار بلند او است. پیش از آن چند کار کمیک موشن هم از او به رشته تحریر در آمد. زمانی که ستاد کنگره شهدای استان قم از نویسندگان می‌خواهد در حوزه شهدا، زندگینامه یا رمان بنویسند او شهید طیبه واعظی را پیشنهاد می‌کند و با موافقت نشر جمکران روبه‌رو می‌شود. «مریم فهیمی» ضمن روایت زندگی شهیده «طیبه واعظی» از شهدای انقلاب که به همراه همسر، برادر و همسر برادر خود توسط ساواک دستگیر و پس از شکنجه به شهادت رسیدند، بخشی از وضعیت پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و نحوه مبارزه انقلابیون را با نثری روان و داستانی خواندنی اما تلخ به تصویر کشیده است. متن پیش‌رو ماحصل همکلامی ما با مریم فهیمی نویسنده کتاب «روزگار طبیبه» است.

■ سوژه‌ای به نام «شهید طیبه واعظی»

مریم فهیمی از مدت‌ها پیش به دنبال سوژه شهدای انقلاب و ترور بود، او می‌گوید؛ من پیگیر این سوژه‌ها بودم که به شهید طیبه واعظی رسیدم. از ویژگی‌های خاص این شهید این بود که همسر، برادر و همسر برادرشان در راه مبارزه با رژیم شاه به شهادت رسیده بودند و در ادامه ساواک فرزند کوچک‌شان را از ایشان جدا کرده و در خفا این زن و شوهر را ترور کرده بود.

او در ادامه می‌گوید؛ «سعی من بر این بود بدون شعار و غیرمستقیم در بستر یک قصه جذاب مخاطب را با طیبه آشنا کنم. بدون قدیسه سازی و بت ساختن از زنی بگویم که هر آنچه داشت فدای راهی کرد که انتخاب کرده بود.»

■ خاطرات تلخ و آزار دهنده

این نویسنده حوزه انقلاب در خصوص مشکلات و موانع مسیر نگارش کتابش می‌گوید: «بزرگ‌ترین مشکلی که سر راه داشتم نبود اطلاعات کافی بود. چون از آن سال‌ها قریب ۵۰ سال گذشته والدین شهیدان همگی از دنیا رفته و فرد مطلعی به آن صورت وجود ندارد. مسئله دوم مواجهه من با مسائلی بود که به شدت روح و روان انسان رو تحت تأثیر قرار می‌داد. من برای نوشتن این اثر باید تمامی خاطرات زندانیان ساواک و تاریخ مبارزات را در آن سال‌ها مطالعه می‌کردم که بسیار سخت و آزار دهنده بود. به طوری که تا مدت‌ها صحنه‌های شکنجه در ذهن من زنده می‌شد و سخت‌تر اینکه باید در مرحله نگارش آنها را پیاده می‌کردم.»

■ زن و مبارزه

فهیمی در مورد مهم‌ترین ویژگی این اثر می‌گوید؛ «شاید قصه‌گویی مهم‌ترین ویژگی این کار باشد. متأسفانه در تألیف کتاب در مورد شهدا صرفاً به خاطره‌نگاری توجه می‌شود حال آنکه مخاطب تا جذب قصه‌ای خواندنی و جذاب نشود مطالب را پیگیر نخواهد شد. تا در کار داستان تعلیق و انتظار، گره و کشمکش نباشد مخاطب پای کار به اصطلاح میخکوب نمی‌شود. تلاش من بر این بود که با آوردن شخصیت‌های خیالی مثل صفورا و استفاده از آن کاراکترها برای ایجاد کشمکش داستانی و انداختن بار مبارزه درونی خیروشر در درون آنها در اصل قصه زندگی طیبه را پیش برده و به نمایش بگذارم که از کودکی تا زمان شهادت آورده شده است.

> من برای نوشتن این اثر باید تمامی خاطرات زندانیان ساواک و تاریخ مبارزات را در آن سال‌ها مطالعه می‌کردم که بسیار سخت و آزار دهنده بود. به طوری که تا مدت‌ها صحنه‌های شکنجه در ذهن من زنده می‌شد و سخت‌تر اینکه باید در مرحله نگارش آنها را پیاده می‌کردم

شاید نقش یک زن در مبارزات زمان انقلاب و تحول درونی یک مبارز و در ادامه مادرانگی پررنگ‌ترین محتوای این کتاب باشد. کل این کار قریب دو سال زمان برد. طی این مدت با مصاحبه‌هایی که داشتم، کتب‌هایی که راجع به شهیدان واعظی و جعفریان تا آن زمان به چاپ رسیده بود را مطالعه کردم. اگر ابهامی داشتم از خانواده شهید سؤال می‌کردم و یا به مصاحبه‌های اعضای گروه‌های مبارز رجوع می‌کردم. در این کتاب طیبه و صفورا دو دوست هستند در همسایگی هم که قصه آنها از کودکی تا شهادت هردویشان به موازات هم گفته می‌شود. البته هر کدام مسیر جدایی را انتخاب می‌کنند و درگیر ودار مبارزه دست آخر در زندان کنار هم قرار می‌گیرند.»

■ نسل جوان امروزی

وی در ادامه با اشاره به جامعه هدف این اثر می‌گوید؛ «جامعه هدف روزگار طیبه قشر خاصی نبوده است چه آنها که آن زمان بوده‌اند چه آنها که نسل جدید ما هستند بنابر ذهنیت خود می‌تواند با اثر ارتباط برقرار کند. البته که شناساندن آن نسل برای جوان امروزی امر مهم‌تری است.»

■ سبک زندگی شهدا

نویسنده کتاب روزگار طیبه در ادامه می‌گوید؛ «می‌خواهم بگویم شهدا هم مانند ما انسان‌های عادی بودند، نباید کسی فکر کند اینها با ما فرق داشتند و ما نمی‌توانیم سبک زندگی آنها را انتخاب کنیم. نه این طور نیست. برای رسیدن به این مقام نباید حتماً انسان ماورایی و خارق‌العاده‌ای بود. آنها هم بچه‌های همین کوچه‌ها و شهرها بوده‌اند اما مسئله اینجاست که فقط خودشان را نمی‌دیدند و فقط به فکر منافع خود و اطرافیانشان نبودند بلکه دیدی فراتر از اینها پیدا کرده بودند. سعادت جامعه را هدف خود می‌دانستند نه فقط سعادت فردی. تا آنجا که از هر آنچه که داشتند می‌گذشتند و ذره‌ای منیت و خودخواهی نداشتند. این همان چیزی است که در اسلام به آن توصیه شده است.»

■ غفلت از شهدای انقلاب

مریم فهیمی در پایان به توجه مسئولان به ادبیات انقلاب و دفاع مقدس اشاره می‌کند و می‌گوید؛ «نویسندگان مستعد زیادی هستند که می‌توانند در این زمینه‌ها کار کنند اما دیده نمی‌شوند. اگر مثل همین کاری که انتشارات کتاب جمکران انجام داد از نویسندگان تازه کار و مستعد دعوت به عمل بیاید تا بیایند پای کار مطمئن باشید شاهد کارهای بسیار درخشانی خواهیم بود. شهدای زیادی هستند که می‌توانند الگوهای مناسبی برای جوان امروزی باشند اما تا به حال از آنها گفته نشده و مغفول مانده‌اند بالاخص شهدای انقلاب. اگر فراخوان مناسبی گذاشته شود و فرصت به نوقلم‌ها داده شود آثار بسیار خوبی تألیف خواهد شد. من در تمام لحظه‌های نگارش این کتاب با شخصیت‌های آن زندگی کرده‌ام. به طوری که احساس می‌کنم واقعاً برهه‌ای از زندگی من با اینها گذشته است. باورشان دارم و همیشه برایم زنده‌اند.»

وادی کتاب

نویسنده کتاب «پدر بزرگ و راز صندوقچه» در گفت‌وگو با «جوان»:

منابع کتابم نقل‌های شفاهی نسل انقلاب است

■ صغری خیل‌فرهنگ

فاطمه بختیاری ۲۰ سالی است که به صورت جدی در زمینه داستان نویسی برای کودکان و نوجوانان فعالیت می‌کند. کارهای اجرایی مثل داوری جشنواره‌های داستان، برگزاری کلاس‌های آموزشی در زمینه داستان نویسی و عضویت در هیئت تحریریه مطبوعات کشور از دیگر فعالیت‌های این نویسنده است. فاطمه بختیاری نوشتن را از سن نوجوانی شروع کرد. آن موقع جدی وقت نمی‌گذاشت اما همان حس نوشتن و خلق یک داستان برایش تأثیرگزار بود و باعث شد در جوانی با شور و اشتیاق بیشتری کار را ادامه بدهد. در آستانه سالروز پیروزی انقلاب با فاطمه بختیاری همراه و همکلام شدیم.

خانم بختیاری! پیش از کتاب پدر بزرگ و راز صندوقچه چه آثاری دیگری از شما به چاپ رسیده است؟

تمام کتاب‌هایم برای مخاطب کودک و نوجوان است. تا به حالا بیش از ۳۰ عنوان کتاب برای کودکان از من چاپ شده است. حدود ۱۰ عنوان هم کتاب برای مخاطب نوجوان دارم که دو تا از این ۱۰ کتاب، رمان نوجوان هستند. رمان «آتیش پاره» و دیگری «رمان بابا بزرگ و راز صندوقچه» که یکی از بهترین و باارزش‌ترین هدیه را از کتاب «آتیش پاره» دریافت کردم. آتیش پاره تنها رمان قابل تقدیر در بخش نوجوان در جشنواره شهید غنی‌پور در سال ۱۴۰۰ بود.

چه طور شد که به فکر نگارش کتابی با این موضوع افتادید؟

سوژه کتاب برای من یک انتخاب بود. انتخاب خودم و بدون اینکه پیشنهاد از جایی دیگر به من داده شود. این موضوع را انتخاب کردم و کار کاملاً جوششی بود. ایده کتاب وقتی به ذهنم رسید که جسته و گریخته بعضی خاطرات اطرافیان را از زمان انقلاب و وقایع قبل از سال ۱۳۵۷ می‌شنیدم. به ذهنم رسید خوب است به این خاطرات یک رنگ و شکلی داستانی بدهم و در قالب شخصیت‌های بریزم که برای همه ملموس باشد. برای همین تصمیم گرفتم داستانی بنویسم و حضور نوجوان مخصوصاً دختران نوجوان را بیان کنم. همیشه در داستان‌های انقلاب ما حضور مردان و پسران نوجوان را می‌بینیم اما حضور زنان و دختران در آن کم رنگ است. در حالی که بدون شک آنها یکی از ارکان اصلی در این انقلاب بودند. در کتابم سعی کردم گوشه‌ای از این حضور را نشان بدهم. حضور زنان و دخترانی که کمتر از مردان نبودند و گاه بیشتر از آنها نقش آفرینی کردند.

فقط یک تردید سر راهم بود. این که داستانم تکراری و شبیه داستان‌های دیگری که درباره انقلاب نوشته‌اند نشود. کلیشه‌ای و تکراری بودن سوژه، تنها ترسی بود که داشتم. اما کسانی که کتاب را خوانده‌اند این طور بیان کردند که خدا را شکر این اتفاق نیفتاده بود.

به نظرم مهم‌ترین ویژگی کتاب این است که خواسته خودش باشد. نخواسته شبیه بعضی داستان‌هایی که برای انقلاب نوشته شده، فقط مردان نقش آفرین باشند. کتاب خواسته دختر نوجوان دهه ۵۰ را نشان بدهد. نوجوانی با همه ویژگی‌های دخترانه‌اش.

سیر محتوایی کتاب «پدر بزرگ و راز صندوقچه» به چه ترتیبی است؟

داستان کتاب از آمدن بابا بزرگ شروع می‌شود. از رابطه صمیمی دختر نوجوان و بابا بزرگش (که متأسفانه امروزه کمتر آن را می‌بینیم.) دختر نوجوان در کنار او احساس امنیت می‌کند این امنیت به او اجازه می‌دهد که پابه‌پای بابابزرگ راهی سفر شود. کتاب به سادگی داستان آن دو را بیان می‌کند و می‌خواهد فقط روایتگر بخشی از زندگی صدیقه و بابا بزرگش باشد.

در این کتاب من بیشترین توجه‌ام به نوجوانان بوده است. چه دختر و چه پسر. اما چون شخصیت اصلی داستانم دختر است، مخاطبین دختر بیشتر با کتاب هم ذات‌پنداری کرده‌اند. من در این کتاب می‌خواستم بگویم حس امنیت در خانواده و رابطه صمیمی بین آنها در همه زمان‌ها وجود دارد و اصلاً مهم نیست در چه سالی زندگی می‌کنی، عواطف انسانی زمان و مکان نمی‌شناسد.

علاوه بر ثبت و ضبط خاطرات راویان برای نگارش کتاب از منابع خاصی هم استفاده کردید؟

منابع من همان نقل‌های شفاهی و گفتار کسانی بود که از نسل انقلاب بودند. زنان و مردانی که خوب آن دوران را به یاد داشتند و هر کدام خاطره‌ای داشتند که می‌شد از کنار هم گذاشتن آنها به یک تصویر رسید. تصویری از وقایع آن دوران که با آن زندگی می‌کردند. مسلماً صحت و راستی آزمایی حرف‌های مردم کار سختی نبود. وقتی خاطرات انقلاب بخشی از زندگی آنهاست و رد پای آن دوران را می‌توان در خانه، محله و شهر دید، دیگر با اطمینان به چشم‌هایت دوست‌داری بخشی از تاریخی شفاهی را به صورت داستان درآوری. حوادث این کتاب در شهر قم اتفاق افتاده است و من برای صحنه پردازیم، باید به برخی جاهایی که در داستان به آن اشاره کردم، می‌رفتم. یکی از جاهای مهم حرم حضرت معصومه(س) بود. با این که خودم ساکن قم هستم اما قم قبل از انقلاب، با قم الان خیلی فرق دارد. مجبور شدم با خیلی از پیرمردها و پیرزن‌ها حرف بزنم تا نمایی از حرم و خیابان‌های اطراف آن دستم بیاید. حتی به مسجد جمکران هم در داستان اشاره کردم که آن زمان بیرون از شهر بود اما الان به شهر وصل است.

و نکته پایانی.

نکته مهمی که در این جملات آخر می‌توانم به آن اشاره کنم این است که نوجوان امروز کتابخوان است. مسلماً اگر کتاب‌های مناسب با اطلاع‌رسانی درست و شفاف در اختیارش قرار گیرد از آن استقبال می‌کند. اگر کم کاری من به عنوان نویسنده و کم کاری ناشران و متولیان فرهنگی، کنار گذاشته شود، محصولات فرهنگی مناسب می‌تواند در دسترس مخاطبین قرار گیرد.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۶۹۴

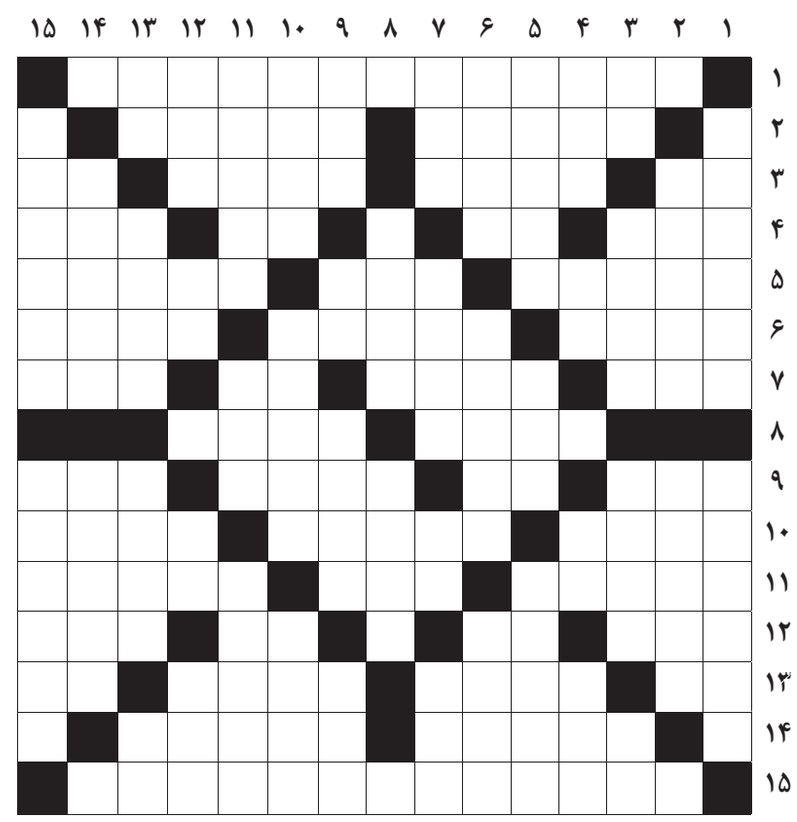

از راست به چپ

■ ۱- ... تو چه آیتی خدا را/ که به ما سوا فکندی همه سایه هما را ■ ۲- بینه و حجت- مجموعه نماهای فیلم ■ ۳- از بت‌های جاهلیت- ریاضیدان سوئیسی- مخترع پیل الکتریکی- بنده و شما ■ ۴- گروه ورزشی- ضمیر غایب- مایه حیات- سازمان بزرگ جهانی ■ ۵- پی‌درپی و پشت سرهم- شهری قدیمی در خراسان رضوی- از گازهای تشکیل‌دهنده سطح خورشید ■ ۶- سرنیزه- از احزاب بانفوذ رژیم اشغالگر قدس- سی‌وششمین رئیس جمهور امریکا ■ ۷- مواجب- خراب و دورانداختنی- بخار دهان- ضمیر اشاره به نزدیک ■ ۸- پسر کاوه آهنگر- محرمانه ■ ۹- سوره زنان- حرف دهن‌کجی- از لنزهای مورد استفاده در عکاسی- کلمه آرزو ■ ۱۰- خدا در تورات- زاویه‌ها- برنده نوبل ادبی ۱۹۹۵ ■ ۱۱- ورزش هندیان- خودستایی در دعوا- آنکه دیده ودل به راه سپرده است ■ ۱۲- دیدنی از رژه- آرواره- پدر عربی- کشتی جنگی ■ ۱۳- کاغذ نامرغوب- تانک ایرانی- انجام ندادنش آسان‌تر از ترک آن است- حرف نفی عرب ■ ۱۴- از اقلیت‌های مذهبی کشورمان- گلابی ■ ۱۵- از خواسته‌های مهم مردم انقلابی ایران در تظاهرات سال ۱۳۵۷

از بالا به پایین

■ ۱- بیماری درخودماندگی- رئیس جمهور امریکا که به خاطر رسوایی واترگیت مجبور به استعفا شد ■ ۲- نویسنده آرزوهای بزرگ- جوانمرگ شاهنامه ■ ۳- عضوی در صورت- هدف و مقصود- از محلات قدیمی شمال تهران- ذات و شخص ■ ۴- چین و شکن- پول ژاپن- مزاحمت اینترنتی- اسلحه کمری ■ ۵- نام جدید شهر ناصری- تابستان آذری- منها ■ ۶- رود مرزی چین و کره شمالی- مالامال- تمام و جامع ■ ۷- برتر از گوهر- ظرف مسی بزرگ- کنار و پهلو- تزویر ■ ۸- ستاره- عملی که انجام آن از نظر شرعی لازم است ■ ۹- نوشابه قدیمی- نور اندک- اندازه لباس- پیشانی سفید معروف ■ ۱۰- پارچه نازک- کدخدا- رشد دادن ■ ۱۱- وظیفه و مستمری- شاه اشکانی- جنگجو ■ ۱۲- یرنا- طایفه کریم‌خان- معاون فراری هیتلر- فضا ■ ۱۳- تیم کرمانی لیگ برتر- مرغ سخنگو- موجودیت- وحشی ■ ۱۴- نغمه- سوره‌ای که در آن خداوند می‌فرماید در هر کاری به من توکل کن ■ ۱۵- خدایا شرشان را به خودشان برگردان- شهری در خراسان شمالی

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

		۸		۹		۷		
				۸		۵		۱
	۱			۵				۴
۲	۶	۹						
		۷	۸				۶	
		۳	۷				۹	
								۲
۸				۷	۵	۳		
۷		۱	۴		۳			

جدول کلمات متقاطع
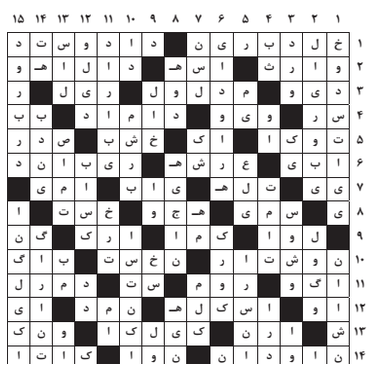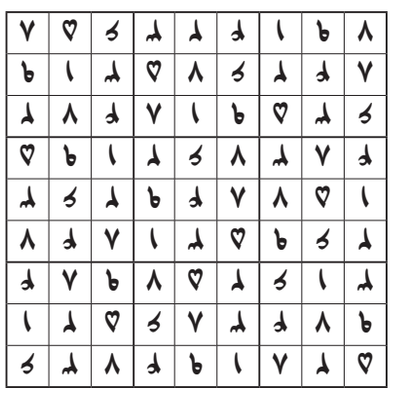
پاسخ جدول شماره ۶۶۹۳